

فاطمه عليها السلام
پرترین بانو

آیت الله علامه
مرحوم شرف الدین جبل عاملی (رضوان الله علیه)

ترجمہ : حبیب الله رہبر اصفہانی

سرشناسیه	شرف الدین / عبدالحسین ، ۱۸۷۳ - ۱۹۵۸.
عنوان قراردادی	الکلمه القراء فی التفصیل الزهراء (س) . فارسی
عنوان و نام پدیدآور	فاطمه (ع) برترین بانو/ شرف الدین جیل عاملی؛ ترجمه حبیب الله رهبر اصفهانی
مشخصات نشر	قم، اندیشه مولانا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۱۲۸ص.
شابک	ریال: 8-64-600-978
وضعیت فو است نویسی	فبا
داداشت	کتابنامه به صورت زیر نویس .
عنوان دیگر	فاطمه علیها السلام برترین بانو.
موضوع	فاطمه زهرا (س) ۸ قبل از هجرت-۱۱ ق .
موضوع	فاطمه زهرا (س) ۸ قبل از هجرت-۱۱ ق . فضائل.
شناسه افزوده	رهبر اصفهانی ، حبیب الله، مترجم.
رده بندی کنگره	۱۳۹۰ ۴۱-۸۰۴ش/۲ BPTV
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۷۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۶۴۳۶۴۲

فاطمه برترین بانو

مؤلف: عبدالحسین شرف الدین

ناشر: انتشارات اندیشه مولانا

ناشر همکار: انتشارات دارالفکر

چاپ: قدس، قم

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال

شابک: ۶۴-۶۴-۵۶۳۴-۶۰۰-۶۷۸-۸ ISBN: 978-600-5634-64-8

انتشارات اندیشه مولانا

تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاندارمری، روبه روی اداره پست، پلاک ۲۳۸ - تلفن: ۶۶۴۰۸۹۲۷ - ۶۶۴۰۹۳۵۲ - فاکس: ۶۶۹۷۷۶۲۰

قم: خیابان صفائیه، بین کوچه آمار و ممتاز، پلاک ۶۳۶

تلفن: ۷۷۴۳۵۴۴ - ۷۷۳۳۶۴۵ - فاکس: ۷۷۳۸۸۱۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است



فهرست مطالب



- پیشگفتار ۹
- کیست فاطمه علیها السلام؟ ۹
- اگر علی علیه السلام نبود، کسی لایق همسری فاطمه علیها السلام نبود ۱۱
- مہتر بانوان اہل بہشت ۱۲
- فضیلتی دیگر از زبان علی علیه السلام ۱۲
- امام حسن علیه السلام از مادرش سخن می‌گوید ۱۳
- مہر فاطمه علیها السلام از زبان امام حسین علیه السلام ۱۴
- فاطمه علیها السلام از دیدگاه امام سجاد علیه السلام ۱۴
- امام باقر علیه السلام و تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام ۱۵
- فاطمه علیها السلام لیلۂ قدر است ۱۶
- چرا عقل از درک مقام فاطمه علیها السلام ناتوان است؟ ۱۷
- امام کاظم علیه السلام و نام مقدس فاطمه علیها السلام ۱۸



- ۱۹ فاطمه علیها السلام از نگاه امام رضا علیه السلام
- ۱۹ امام جواد علیه السلام
- ۲۰ امام هادی علیه السلام
- ۲۰ امام عسکری علیه السلام
- ۲۱ فاطمه علیها السلام الگوی امام زمان علیه السلام
- ۲۲ فاطمه علیها السلام خود را معرفی می‌کند
- ۲۴ فاطمه علیها السلام در حدیث دیگران
- ۲۵ عمر بن خطاب
- ۲۵ عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۶ این کتاب
- ۲۷ شخصیت علامه شرف الدین
- ۲۸ مبارزات سیاسی علامه شرف الدین

فصل اول

آیات

- ۳۳ بخش اول : آیه مباهله
- ۳۴ آیه مباهله
- ۳۸ سه فضیلت بزرگ
- ۳۸ چند نکته ادبی
- ۴۱ امتیازی برای علی علیه السلام
- ۴۳ اعتراف فخر رازی



۴۴	بخش دوم : آیه تطهیر
۴۶	سرگذشت کسا
۴۸	پیغمبر ﷺ به گزاف سخن نمی گوید
۵۱	بیوگرافی عکرمه
۵۵	بیوگرافی مقاتل
۶۳	و اکنون استباه دیگر
۶۵	سخنی شکفت از فقر رازی
۶۶	آیا منظور از اهل بیت هم خمسه طویه و هم همسران پیامبر ﷺ است
۶۹	یادآوری دو نکته
۷۱	بخش سوم : آیه مودت
۷۴	این امتیاز برای چیست؟
۷۸	شعله های سوزان حسد
۷۹	بلایی بزرگ و خانمان سوز
۸۰	خلاصه ای از گفتار مخالفین
۸۲	اشتباهی بزرگ
۸۵	دو اعتراض بی مورد
۹۰	شعاع علم الهی همه چیز را فرامی گیرد
۹۶	بخش چهارم : آیات ابرار
۱۰۰	بیان آیات شریفه
۱۰۲	چگونه دیگران را بر خود مقدم می دارند
۱۰۴	اخلاص در عمل



فصل دوم

روایات

- ۱۱۳ فاطمه علیها السلام در پیشگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله
- ۱۱۳ حدیث اول: برترین بانوان بهشت
- ۱۱۴ حدیث دوم: بهترین بانوی جهان
- ۱۱۴ حدیث سوم: پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۱۷ حدیث چهارم: نقطه این چهار زن
- ۱۱۷ حدیث پنجم: آفرین بر پدرم
- ۱۱۹ حدیث ششم: بزرگ زنان جهان
- ۱۲۰ حدیث هفتم: بزرگ زنان امت
- ۱۲۱ حدیث هشتم: سرور بانوان بهشت
- ۱۲۲ حدیث نهم: خشم فاطمه علیها السلام، خشم پیامبر صلی الله علیه و آله است
- ۱۲۴ حدیث دهم: خشنودی فاطمه علیها السلام، خشنودی خدا است
- ۱۲۵ حدیث یازدهم: دشمن فاطمه علیها السلام کافر است
- ۱۲۶ حدیث دوازدهم: سخن عایشه و عظمت فاطمه علیها السلام

آفتاب آمد دلیل آفتاب

مگر دلالت باید از وی رومتاب

پیشگفتار

کست فاطمه علیها السلام؟

او که دخت رسالت است و همسر ولایت و مادر امامت، کوثر قرآن، بانوی بانوان جهان و سرور زنان دو عالم، دُرّج عفاف و عصمت کبرای داور است.

راستی که سخن گفتن در باره حضرت زهرا علیها السلام سهل و ممتنع است. سهولتش برای فضیلت‌های فراوانی است که در روایات فریقین در باره او آمده است، و امتناع و صعوبت آن به خاطر عمق شخصیت و ژرفای غیر قابل غوص و شنای آن می‌باشد.

الفاظ و ادبیات هرچند زیبا و رسا باشد هرگز نتواند سیمای بلند و ملکوتی حضرت فاطمه علیها السلام را ترسیم کند، زیرا او کامل‌ترین انسانی است که درک شخصیت حقیقی او از دایره عقل ما خارج است و هر کس سخنی در باره او بگوید تنها در حدّ فهم و درک خویش از



شخصیت آسمانی آن حضرت سخن گفته است و نمی‌تواند به مقام حقیقی او پی ببرد.

او فاطمه علیها السلام است. آنگاه که فرشته امین از پرتو انوار خمسۀ طیبه جویایمی‌شود، خدای تعالی او را محور آفرینش قرار داده و می‌فرماید: «هُم فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا»^۱ آنان فاطمه و پدر بزرگوار او، همسر و فرزندان فاطمه هستند.

آری، فاطمه زهرا علیها السلام محور آفرینش است، شخصیتی است که بشر عادی از شناخت او ناتوان است.

فضل زهرا را بشر کی می‌توان احصا کند

قطره را قدرت نباشد وصف از دریا کند
پس شایسته است در این مقدمه از سخنان کسانی مدد بگیریم که
آشنای به حق فاطمه علیها السلام هستند، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام
و فرزندان مظلوم آن حضرت و احیاناً دیگر کسان، تا اگر دوست آن
حضرت هستیم بر یقین و ایمانمان بر فضیلت آن حضرت فزون گردد،
و اگر خدای ناخواسته، دشمنیم، لجاجت از ما رخت بربندد و اگر
بی تفاوتیم، ایجاد انگیزه نماید.

آری، فاطمه علیها السلام همان کسی است که خدا در عظمت مقام او در حدیث قدسی می‌فرماید:

«يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَّا

خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكَ»^۱.

ای احمد! اگر تو نبودی افلاک (زمین و آسمانها) رانمی آفریدم. و اگر علی نبود، تو رانمی آفریدم، و اگر فاطمه نبود، تو و علی را نمی آفریدم.

اگر علی علیه السلام نبود، کسی لایق همسری فاطمه علیها السلام نبود

فاطمه علیها السلام همان است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره اش فرمود:

لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ فَاطِمَةَ لَعَلِّي علیه السلام مَا كَانَ لَهَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ كُفُوٌ، آدَمَ فَمَنْ كُفُوهُ؟^۲

اگر خداوند متعال، فاطمه علیها السلام را برای حضرت علی علیه السلام خلق نکرده بود، هیچ کفو و مانندی برای همسری او در روی زمین یافت نمی شد، از آدم و چه از غیر آدم، آری.

عالم صدف است و فاطمه گوهر اوست

گیتی عرض است و این کهر جوهر اوست

در فخر و شرافتش همین بس که ز خلق

احمد پدر است و مرتضی شوهر اوست

۱. مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۳۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۳، ح ۳۲۸۳، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۷۲، ح ۲۵۰۶۷.

امالی صدوق، ص ۵۹۲.

مهرتر بانوان اهل بهشت

فاطمه علیها السلام همان شخصیتی است که همتا و همسرش امیر عالم هستی، امیر مؤمنان علی علیه السلام است که بر او می‌نازد، و در برابر معارضان به افتخار همسری آن بانوی بزرگ احتجاج می‌کند و از این روی خود را از دیگران سزاوار مقام خلافت دانسته و می‌فرماید:

«نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ! هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ زَوْجَتُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ
الْجَنَّةِ غَيْرِي؟»^۱

شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا در میان شما (که داعیه خلافت و جانشینی رسول خدا دارید) غیر از من کسی هست که همسرش مهرتر بانوان اهل بهشت باشد؟!

فضیلتی دیگر از زبان علی علیه السلام

«إِسْتَأْذَنَ أَعْمَى فَاطِمَةَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا) فَحَجَبَتْهُ، فَقَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَهَا: لِمَ حَجَبْتَهُ وَهُوَ لَا يَرَاكَ؟ فَقَالَ ﷺ: إِنْ
لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ، وَهُوَ يَشُمُّ الرِّيحَ، فَقَالَ ﷺ أَشْهَدُ
أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي.»^۲

۱. بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۳۳۲.

۲. نوادر رواندی، ص ۱۳، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱، ح ۱۶؛ عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۲۳.

ح ۱: مناقب ابن مغازلی، ص ۲۸۰، ح ۴۲۸.

نابینایی از فاطمه علیها السلام اجازه طلبید تا وارد خانه گردد، اما حضرتش او را از وارد شدن باز داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: چرا او را رخصت ندادی، حال آن که او تو را نمی‌بیند؟

حضرت فرمود: اگر چه او مرا نمی‌بیند، لیکن من او را می‌بینم. عاروه بر این بوی من به مشامش می‌رسد، رسول خدا صلی الله علیه و آله در این هنگام فرمود: گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی.

امام حسن علیه السلام از مادرش سخن می‌گوید

«رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ علیها السلام قَائِمَةً فِي مِخْرَابِهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَابِقَةً حَتَّى انْقَلَبَ غَمُودَ الصُّبْحِ، وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُوا لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَتُسَمِّيهِمْ وَتُكثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ، وَلا تَدْعُوا لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ: يَا أُمَّهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ؟

قَالَتْ: يَا بُنَيَّ! الْبَارُ ثُمَّ الدَّارُ»^۱

مادر من فاطمه علیها السلام را در شب جمعه‌ای دیدم که در محراب عبادش به پای استاده و تا بامدادان در رکوع و سجود بود. می‌شنیدم که از مردان و زنان مؤمن را دعا می‌کرد، و هنگام دعا نام آنها را یاد آور می‌شد و بسیار برای ایشان دعا می‌نمود؛ اما برای خود چیزی نمی‌خواست. به مادر من گفتم: ای مادر! چرا برای خود همچون

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۵، باب ۱۴۵، کشف الغته، ج ۲، ص ۹۴؛ بخاراالنوار، ج ۴۳، ص ۸۱ - ۸۲، و ج ۸۹، ص ۳۱۹، ح ۱۹؛ دلائل الامامه طبری، ص ۵۶.



خوش آمد می‌گفت، و به احترامش به قامت از جای برمی‌خاست،
انگاه دستش را گرفته می‌بوسید، و او را در جای خود می‌نشاند.

این کتاب

همان طور که از اسم و عنوان این کتاب پیداست، موضوع آن در باره
بضعه رکبه احمدیه، و ثمره شجره محمدیه، ملکه دنیا و آخرت، شفیع
روز قیامت، کرکب دزی، فلک عصمت و عفاف، زهره زهراء آسمان
عطوفت و الطاف، مشرق الشمسین، چرخ عظمت و جلال، مطلع
النورین گردون رفعت و کمال، صدیقه طاهره علیها السلام^۱، به رشته تحریر و
نگارش درآمده است.

مؤلف با تمسک به کتاب خدا، قرآن مجید و احادیث مورد قبول
اهل سنت، فضایل و مناقب و برتری آن حضرت را بر سایرین به اثبات
رسانده است. کتاب هر چند کم حجم است، لیکن مستندات آن محکم
و استوار است.

ترجمه این کتاب حدود چهل سال پیش توسط فاضل ارجمند
جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ حبیب الله رهبر اصفهانی انجام و
منتشر گردید که هم اکنون توسط اینجانب بازنگری و با ویراستاری
جدید عرضه می‌شود.

۱. این تعبیرات از مرحوم آیت الله میرجهانی، در کتاب جنة الفاطمه، ص ۵۷.



شخصیت علامه شرف الدین

و اما مؤلف کتاب، عالمی فرزانه، پیشوایی صاحب علم و حکمت، و محدثی متبحر، متکلمی زبردست، خطیبی سخنور و مصلحی بزرگ است که دیای اسلام با آثار قلمی او آشنا است و بالغ بر سی جلد کتاب نوشته که از جمله آثارش کتاب «المراجعات» و «النص والاجتهاد» و همین کتاب به نام «الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء (علیها السلام)» است که ترجمه آن تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.

عالم سترگ، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی که معاصر با علامه شرف الدین بوده، در باره مؤلف این کتاب می‌نویسد: شرف الدین یکی از افتخارات این روزگار است، و یکی از آیات بزرگ خداست، که در این عصر حاضر طلوع کرده است. برای این سده اسلامی همین بس که این نابغه یگانه ظهور کرده است و برای جبل عامل همین بس که پایگاه این پرچم افراشته دینی و این نیروی گسترده هدایت است که یادگار خاندان وحی می‌باشد.

شرف الدین، کسی است که با بیان روشن و وزین و پرتوان، و استدلال فلج کننده، شیوه استوار، تحریر رشیق، به مطالب والا و دقیق دیرباب و مقاصد گرانمایه دست یافت.

و کسی که بخواهد شرف الدین را توصیف کند باید بگوید: او مجتهدی است دانا، متکلمی است بی همتا، فیلسوفی است پژوهنده، اصول دانی متبحر، مفسری بزرگ است، محدثی است صادق، مورخی

است حجت، خطیبی است زبان‌آور، پژوهشگری است نقدگرا، ادیبی است سترگ.

آری، شرف‌الدین این همه هست، علاوه بر اینها مجاهدی است نستوه در راه دین، مبارزی است پیوسته در سنگرِ مذهب حق، گواه او خامهٔ قلم اوست، و کتابها و نوشته‌های او، سخنرانی و منبرهای او، خدمت سودمند و مباحثات از آئین و استدلالهای کوبندهٔ اوست.^۱

علامهٔ امینی صاحب کتاب الغدير در بارهٔ او چنین می‌گوید:

شرف‌الدین یکی از قله‌های رفیع تشیع است و یکی از درفشهای افراشتهٔ اسلام. او در این روزگار نمایندهٔ عظمت سادات بنی‌هاشم است. شیعه را می‌سرد که به شرف‌الدین افتخار کند، و به دانش سرشار و شرف تابان و پارسایی عمیق و منطق فصیح و تبلیغات سودمند او ببالد.

او سرور نگهبانان دین اسلام، و بزرگ خادمان مذهب تشیع، پیشوای علم و دین، حجت اسلام و مسلمین، آیت‌خدای جهان است که جانم فدایش باد.^۲

مبارزات سیاسی علامه شرف‌الدین

شرف‌الدین در راه آزادی مردم خویش و گسترش عدالت زحمات

۱. نقیه‌البشر، ج ۳، ص ۱۰۸۳ - ۱۰۸۴.

۲. شهداء الفضيلة، ص ۱۶۶.

بسیار کشید، هم در دوره تسلط عثمانی‌ها، و هم در دوره تسلط فرانسوی‌ها، و هم در دوره استقلال. قدرت‌های مسلط پیوسته با او مبارزه می‌کردند و جُلو اقدامات او را می‌گرفتند.

کبار شرف الدین در این مبارزات سیاسی، به ویژه در برابر فرانسوی‌ها به جایی رسید که فتوای جهاد صادر نمود و آنها حکم اعدام او را صادر کردند و به خانه او هجوم بردند و خانه و کتابخانه او را به آتش کشیدند و هر چه بود سوزاندند و ۱۹ جلد از تألیفات خطی شرف الدین طعمه حریق شد و او را مجبور کردند که دیار خود را ترک کند.

یکی از نویسندگان عرب در یادکرد مبارزات علامه شرف الدین با امپریالیسم فرانسوی می‌نویسد:

حضرت مجتهد بزرگ، سید عبدالحسین شرف الدین که خداوند خاکش را عطر آگین و نامش عیبر آمیز کند، حجت اسلام و حقیقت بود، او یک رهبر دینی و مردمی بود، رهبری که هیچ کس به مقام بلند او نمی‌رسید. با یک اشاره او جنوب لبنان به حرکت در می‌آمد و سپس همه لبنان، آنگاه بغداد، او امر حکیمانه او در نزد همگان مطاع و پذیرفته بود. فرانسویان از او می‌ترسیدند و در دل از او هراس داشتند، به مقام ارجمند او حرمت می‌گذاشتند، دوست می‌داشتند به روی یکی از آنان تبسمی کند، یا یک کدام از آنان را به حضور بپذیرد، لیکن شرف الدین دشمن حکام فرانسوی بود و در برابر استعمار فرانسویان به مقاومت



برخواست. این بود که اعلام «جهاد مقدس» کرد و با این اعلام سرتاسر جبل عامل شعله‌ور شد، البته در اثر فشار قوای فرانسوی، وی مجبور شد تا مدتی به فلسطین برود، لیکن فرانسویان در برابر ایستادگی شرف‌الدین و مقاومت‌های مستمر او بیچاره شدند و صدمات و سختی‌های فراوانی دیدند، و...^۱

سرانجام این آیت الهی، پس از ۸۷ سال عمر با برکت در سال ۱۳۷۷ هجری قمری بدرود حیات گفت و پیکر مطهرش و پس از تشییع رسمی در بیروت به بغداد برده شد و از بغداد تا کاظمین تشییع پیکر او از کثرت و ازدحام جمعیت پنج ساعت به طول انجامید و همه گونه تجلیل و تکریم درخور شأن او به عمل آمد، پس آنگاه جنازه روانه نجف اشرف گردید و در جوار حرم مطهر امام علی علیه السلام به خاک سپرده شد و شهر نجف در سوگ او سیاهپوش شد و روانش شاد و یادش گرمی باد.

ذکر الله الحمدي

قم المشرفة : ۳۹۰/۷/۱۷ شمسی

مطابق ۱۱ ذی‌قعدة ۱۴۴۳ قمری

سالروز میلاد حضرت امام رضا علیه السلام

۱. مجلة «المجتمع العربي» سال ۱۹۷۸ م، به شماره ۳۴/۷، به نقل از مقدمه آقای محسن

بیدار، در اول کتاب «کلمة الغراء فی تفضیل الزهراء علیها السلام»